

نئورئالیسم چیست؟

تاریخ اجمالی سینمای نئورئالیسم ایتالیا

۱۹۴۵-۱۹۵۵

پژوهش و نگارش: کامران شیردل

به یاد همیشه سبز مادر و پدرم

چاپ اول

۹	پیش‌گفتار
۱۵	بخش اول/ تعریف و خاستگاه نئورئالیسم
۲۷	بخش دوم/ روبرتو روسلینی
۳۷	بخش سوم/ فیلم‌های دوران بعد از جنگ
۴۹	بخش چهارم/ فیلم‌های طنز و کمدی
۶۱	بخش پنجم/ لوکینو ویسکنتی و ویتوریو دسیکا
۷۵	بخش ششم/ گسترش نئورئالیسم - نئورئالیسم و بورژوازی
۸۷	بخش هفتم/ دو فیلم مهم و ظهور علائم يك بحران
۹۷	بخش هشتم/ بازگشت به مبدأ و زاواتینی
۱۰۷	بخش نهم/ نئورئالیسم و تاریخ - نئورئالیسم، مذهب و معنویت
۱۱۹	بخش دهم/ فدریکو فلینی - آینده نئورئالیسم و تاثیرات آن
۱۳۳	فیلم‌های کوتاه
۱۴۳	پیوست‌ها
۲۲۵	پیشگامان
۲۲۹	فهرست فیلم‌های بلند
۲۳۷	فهرست فیلم‌های کوتاه

بخش اول تعریف و خاستگاه نئورئالیسم

نئورئالیسم چیست؟ این اولین و مهم‌ترین سوالی است که باید در آغاز این مبحث مطرح و به آن پاسخ داده شود. بعد از نزدیک به هفتاد سال که از - به اصطلاح - تولد این مکتب می‌گذرد، سعی خواهیم کرد تا به یک جمع‌بندی تاریخی و نتیجه‌گیری هرچند اجمالی اما نسبتاً دقیق - از این حرکت و نهضت در گستره سینمای ایتالیا و تا حدودی نیز از تاثیر سازنده آن در متن سینمای جهان دست یابیم. اینکه می‌گوییم - نسبتاً دقیق - از این روست که این کارنامه یا ترازنامه را علی‌رغم گذشت نزدیک به هفت دهه، هنوز نمی‌توان به کلی خاتمه‌یافته و قطعی تلقی کرد، زیرا پدیده نئورئالیسم با وجود همه بحران‌های خود هنوز از نیرو و حرکتی سازنده و خلاقه برخوردار است که طی سالیان متمادی، انگیزه خلق بسیاری از فیلم‌ها و نگارش مقالات، تحقیقات، رسالات و نقدهای تجزیه و تحلیل‌گرانه بی‌شماری در این زمینه گردیده و اعتبار و شهرتی کم‌نظیر برای فرهنگ و هنر ایتالیا به ارمغان آورده است. هرچند نئورئالیسم را باید یک نهضت اصیل ایتالیایی به‌شمار آورد، اما این نکته را نیز نباید از خاطر برد که کشف و توفیق نئورئالیسم ابتدا در خارج از مرزهای ایتالیا و دور از خاستگاه اصلی این مکتب

هنری امکان یافت و به دست آمد. در این مقوله، به عراق، بسیار نوشته و گفته‌اند اما حقیقت آن است که از همان اوان پیدایش آثار نئورئالیستی تنی چند از منتقدین و هنرشناسان ایتالیایی، این حرکت زنده و نوپای فرهنگی و هنری را - در متن پوچی و ابتذال گسترده و حاکم بر سینمای این کشور - آگاهانه و با دقت بسیار تشخیص داده و تعقیب می‌کردند، اما به هر صورت واقعیت مسلم و انکارناپذیر این است که منتقدان، کارشناسان مسائل سینما و هنر و پویندگان سینمای مردمی و راستین - در خارج از ایتالیا - به‌ویژه آندره بازن^۱ نظریه‌پرداز بزرگ فرانسوی، دقیقاً به همین دلیل که از خارج و با نگرشی عینی‌تر این پدیده و آثار آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دادند، در موقعیت مناسب‌تری برای تشخیص، تعیین و معرفی ارزش‌ها و ویژگی‌های نئورئالیسم قرار داشتند؛ ویژگی‌هایی که به‌طور خلاصه عبارت بودند از خلوص و صداقت در ارائه مسائل انسان‌های ساده و فراموش شده از صحنه نمایشات پر زرق و برق و تصنعی سینمای آن دوران و بیان مستقیم، بی‌واسطه و صریح در عرضه معانی و مفاهیم زندگی این انسان‌های ساده و طرح مسائل به‌ظاهر «پیش پا افتاده» آنها به شیوه‌ای بسیار نو و بی‌سابقه، شیوه‌ای که به تماشاچیان بی‌خبر و خو گرفته به فرم‌ها و فرمول‌های کم و بیش بی‌ارزش تجاری و قراردادهای سنت‌های پوچ و بی‌معنی قصه‌پردازی سینمای آن دوران ایتالیا، این فرصت را می‌داد تا چهره واقعی و راستین کشور ایتالیا و مردم حقیقی کوچک و بازار آن را با همه بار مسائلشان از نزدیک لمس کرده و به عمق وجدان آگاه و بیدار ملتی رنج‌دیده، شکست‌خورده، توهین و لگدمال شده و - حال - رها گشته از زیر سلطه و خفقان سیاه نازی - فاشیسم، نگاهی انسانی و پر از شفقت و نه فقط از سر تفریح و تفنن، بیافکنند.

سوال آغازین این بخش را یک‌بار دیگر مطرح می‌سازیم: «نئورئالیسم چیست؟»

این همه مختصات و ویژگی‌ها که در نهاد این مکتب و آثار آن نهفته کدامند؟ برای پاسخ دادن به همه این سئوالات لازم است تا وجوه سه‌گانه تشکیل‌دهنده این پدیده را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم:

- وجه اول «درونمایه»

- وجه دوم «سبک»

- وجه سوم «نگرش معنوی و اخلاقی»

بدیهی است که این تقسیم‌بندی و میزان تمیز و تشخیص را تنها به‌عنوان عاملی برای ساده‌کردن بررسی نظری خود برگزیده‌ایم، چراکه در بسیاری از آثار برجسته این مکتب، این سه وجه را در وحدتی بی‌ظنیر و غیرقابل تفکیک می‌یابیم.

درونمایه - قبل از پرداختن به این جنبه، باید این واقعیت مهم را در نظر داشت که سینمای ایتالیا در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۳ از دیدگاه اخلاقیات و معنویت چشم‌اندازی سخت تیره و تار داشت. در این دوران، اولویت در کار تولید فیلم‌های سینمایی، بیشتر با کم‌دی‌های بی‌ارزش و عاری از معنا از یک‌سو و قصه‌های پرزرق و برق تاریخی - مزین به کلاه‌خود و شمشیر و گرز و براق و کوپال و حمایل و غیره همراه با صدای شیهه‌اسبان و سم ستوران - از سوی دیگر بود، به اضافه تعدادی از آثار معموله سینمای فرمایشی دستگاه حاکم که تنها انگیزه وجودی‌شان تعظیم و کرنش و انجام خدمات تبلیغاتی برای رژیم پر طمطراق فاشیستی موسولینی محسوب می‌شد. البته اگر بخواهیم با این تعریف کلی بر همه ساخته‌ها و سازندگان سینمایی این دوره خط بطلان کشیده و همه را یک‌جا و بدون استثنا محکوم سازیم، اشتباه بزرگی را مرتکب شده‌ایم، چرا که در همین ایام، معدود کارگردانانی باارزش و متعهد، به خلق آثاری متفاوت اشتغال داشتند. اینان که مؤلفین سینمای فردای ایتالیای آن روزگار بودند، در این دوران، استبداد و خفقان پا به عرصه حیات هنری خویش می‌گذاشتند. فیلم‌های این کارگردانان بیشتر آثار جالب و چشمگیری در زمینه تجزیه و تحلیل‌های روانشناسانه متون و شخصیت‌های ادبی و روابط این شخصیت‌ها در این‌گونه آثار بود یا کلا فیلم‌های تزئینی و چشم‌نوازی بودند که پیش‌درآمدی خوشایند را بر

۱- آندره بازن (Andre Bazin) تولد آوریل ۱۹۱۸ وفات ۱۱ نوامبر ۱۹۵۸ - منتقد مشهور و نظریه‌پرداز تاثیرگذار فرانسوی.